



عکس: ساسان توکلی

می‌شود که به نحوی درگیری‌های روحی و حسی خودت را به وسیله آن ابزار کنی. او ادامه می‌دهد: مجموعه عکس حفره، روایت یک رابطه‌ای‌ست که همچون هر رابطه‌ای دیگر، شروع‌اش پر از شوق است و سرشار از تجربه حس ناب. همه چیز برایت پررنگ و پر کنتر است است و از این جهت احساسات در عمیق‌ترین قسمت وجودت ثبت می‌شود تا دائم به آن‌ها متصل شوی، و یادآوری مستمر را تبدیل به امری خوشایند کند. اما ادامه مسیر خبرهای خوشی نمی‌دهد و رفته رفته یاس و ناامیدی همچون صاعقه‌ای بر میان این رابطه فرود آمده و تبدیل به نقطه عطفی پر رنگ بر حافظه احساسی فرد می‌شود. خواه ناخواه سرانجام رابطه بن‌بست است و به آن باید پایان داد؛ اما هراس و ترس از دست دادن همیشه، تو را از هر اقدام جسورانه‌ای در این جهت باز می‌دارد.

این عکاس می‌افزاید: دنبال نمادها و نشانه‌هایی کمک کننده می‌گردد که راه را به تو نشان دهد. فعل عکاسی همان کنشی‌ست که در نقش یک هدایتگر، گره‌های ذهنی و احساسی را به محصولی شفاف، دقیق و واضح تبدیل کرده و راهی که از جنس حقیقت است را پیش روی تو می‌گذارد. به این جهت عکاسی به واسطه خاصیت ثبت لحظه و سندیت می‌تواند نقشی ارزشمند را ایفا کند.

او با اشاره به خودآگاهی که در استیتمنت از آن نام برده ادامه می‌دهد: آگاهی از آن جهت که به حقیقت نزدیک است و از عدم قطعیت به دور، برای من زیباترین زیبایی‌ست. در طول طی مسیر این رابطه، حفره‌ای که در تن ایجاد شده به عنوان زخمی ناپایان هنوز پابرجاست؛ اما دیگر در تصمیم‌گیری مستاصل نیستی. به واسطه آن حفره به عنوان ظرف، و آگاهی به عنوان مظروف آن، وزن پیدا کردی، و این خودآگاهی به عنوان یک تسکین دهنده و یک ارزش افزوده از این زخم به عنوان یک دستاورد و دارایی مهم می‌توان تلقی کرد که در فریم آخر این روایت کاملاً مشهود است.

نوعی تخریب و نابودی هم در عکس‌های این مجموعه دیده می‌شود، از او که می‌پرسم چنین می‌گوید: از دیدن این تخریب‌ها و تأمل راجع به آن‌ها درک معنارخ می‌دهد و پیام این اتفاق را برای ما ارزشمندتر می‌کند. کار مهمی که عکاسی می‌کند و عکس به عنوان محصول آن دقیقاً همین است. دیدنی دوباره، مکث و تأملی چند باره؛ ارجحند درباره وضعیت عکاسی سیرجان چنین می‌گوید: وضعیت عکاسی سیرجان نه می‌تواند گفت خوب است و نه بد؛ خیلی پویا نیست و از آن طرف هم خیلی سکون ندارد؛ به واسطه روی کار آمدن شبکه‌های مجازی فعالیت‌های جدی کم شده، چون هر کسی تریبون برای آرایه کارهای خودش دارد، کمتر به آرایه جدی و عمومی فکر می‌کند.

دیگر این که انتظار می‌رفت از سال ۸۹ که خانه عکاسانه و تشکل‌های دیگر در سیرجان راه افتاد بچه‌های جدیدی که روی کار می‌آیند، کار را بگیرند دست و فعالیت‌هایی انجام دهند که قبلاً خود ما انجام می‌دادیم، ولی در این ده سال ندیدیم یا کمتر دیدیم؛ از بچه‌های نو یا که کار جدی ارایه دهند؛ حتی درخواستی هم ندادند و این ما را نگران کرد، و یکی از دلایلی که این نمایشگاه را برپا کردیم همین بود؛ که اول تلنگری باشد به خودمان که اگر عکاسیم باید فعال بود و کار کرد و کار ارایه داد و این که برای نمایشگاه در این شرایط که مدت‌ها کاری در سیرجان صورت نگرفته بود خوب بود، این می‌تواند شروعی باشد برای خود ما و حرکت‌های ادامه‌داری را شکل دهد.

فروشگاهی ندارد، و با این همه نداشتن، برای همه از هر سن و توانایی بدنی، بستر فراغت است. مدنی می‌افزاید: نوع ادراک این فضا با سایر فضاهای فراغت به دلیل کمبود نور متفاوت است، نوع درک زیبایی آن نیز متفاوت است. سایر حواس به کار می‌آیند، زیبایی در حین راه رفتن بر نمک اتفاق می‌افتد، زیبایی در حس سکوت، و آن فضای وهم‌آلود دریافت می‌شود. اما مهم‌ترین احساس آن نوع آزادی است که در بین جمعی و دیده نمی‌شوی، مورد قضاوت قرار نمی‌گیری، و دیگران نمی‌توانند حواست را پرت کنند.

این عکاس ادامه می‌دهد: فضایی آن چنان خالی و سفید، می‌تواند آستان هر اتفاقی باشد. دیده نشدن منجر به قضاوت نشدن می‌شود. گستردگی زیاد آن به آرامش و جلوگیری از مزاحمت‌های مرسوم در فضاهای فراغت کمک می‌کند. فضا از آن جهت نامعلوم است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن را برای امری خاص اختصاص داد، بدون ویژگی خاصی است و تا ابد بدون ویژگی می‌ماند.

مدنی درباره عکاسی سیرجان نیز چنین می‌گوید: بیش از یک دهه است که هنر عکاسی در سیرجان، به یک رشته هنری موثر تبدیل شده است، اگرچه عکاسانی با سابقه زیاد، آثار فاخری در این نمایشگاه داشته‌اند، اما نبود گالری مناسب برای نمایش آثار، تأثیر منفی بسیاری بر این نمایشگاه و سایر نمایشگاه‌های مشابه گذاشته است.

### از دل این پروژه عکاسی را ستایش کردم

«امین ارجمند» دیگر عکاس حاضر در نمایشگاه با مجموعه «حفره» است، او درباره حضورش در نمایشگاه می‌گوید: مدت زیادی بود که ما عکاسان قدیمی در محافل مختلفی که جمع می‌شدیم تصمیم داشتیم کار جدی و متفاوتی نسبت به قبل انجام دهیم، چیزی که تقریباً با استانداردهای جهانی هم‌خوان و در یک راستا باشد که هم برای خودمان یک حرکت مهم به حساب بیاید و هم الگویی برای بچه‌های جدیدی که می‌خواهند تولیدات جدید داشته باشند، باشد. به خاطر همین پیشنهاد دادیم برای اولین بار در سیرجان عکاس‌ها دیوار اختصاصی داشته باشند و مجموعه عکس ارایه دهند و یک موضوع واحد هم داشته باشند؛ موضوعی با عنوان زیبایی که از دید هر کس زیبایی در شاخه عکاسی‌اش چه بوده، چه چیز را به وسیله و یا واسطه عکس دریافت کرده‌اند و هر کس در هر شاخه‌ای می‌تواند با این موضوع مجموعه ارایه دهد؛ و جمع شدیم و حاصل این نمایشگاه شد؛ که حرکت مثبتی برای شهر و رویدادهای هنری شد و امیدوارم مخاطبین هم استفاده لازم را برده باشند. او درباره انتخاب مجموعه‌اش می‌گوید: پروژه‌های مختلفی را بالا پایین کردم و دیدم این پروژه‌ای بود که خودم خیلی با آن هم‌زادپنداری کردم و خیلی به من نزدیک بود، اتفاقی بود که از دلش عکاسی را ستایش کردم و عکاسی تبدیل به یک نوع مراقبه برای من شد؛ و دایما برای من تداعی می‌شود، و هر زمان می‌خواهم آرام بگیرم سمت عکاسی و تولید مجموعه می‌روم و خودم را یک جواری در مجموعه‌هایم پیاده می‌کنم.

ارجمند می‌افزاید: تصویر و مدیوم عکاسی سال‌هاست که به زندگی روزمره آدمی گره خورده و در هر زمان به نحوی با آن برخورد می‌کنیم. حال این که خودت عکاس باشی و اکثر اوقات با نگاه عکاسانه پیرامونت را، لحظه‌ها را، و از همه مهم‌تر افکارت را بررسی می‌کنی؛ با داشتن ذهنی سیال از کوچکترین اتفاقات اطرافت نمی‌گذری و با آن‌ها به مثابه عکس و روایت برخورد می‌کنی. در واقع عکاسی بهانه‌ای

## گزارش استقامت از نمایشگاه عکس در باب زیبایی در گالری باطن سیرجان؛ نگاه عکاسانه به زیبایی در باطن سیرجان

✚ رحیم بنی‌اسد آزاد

موارد بالا دفرمه شدن به وضوح دیده می‌شود، من هم سعی کردم در این پروژه دفرمه شدن پرت‌تره خودم و دوستانم در اثر تنش را ارائه بدهم، با توجه به این که پرت‌تره مرسوم چیزی جز دروغ ندارد.

او از ارجاعات تاریخی که در استیتمنت آورده چنین می‌گوید: در واقع ما همیشه در گفتگوهای‌مان به نقاط سرنوشت ساز تاریخ اشاره می‌کنیم و غصه می‌خوریم، این موارد که در استیتمنت آمده تنها تعداد کمی از انبوهی از این مسائل است، که دست از سر ما بر نمی‌دارند و ما همیشه دنبال اولین مهره دمیون می‌گردیم.

این عکاس سوژه‌هایش را از هنرمندان انتخاب کرده؛ دلیل این را که پرسیدم می‌گوید: اشخاصی را انتخاب کردم که خوب می‌شناسم، درد کشیدنش را از نزدیک دیده‌ام، تمام شرایط را تحمل می‌کنند تا ارزش تولید کنند، دلشان همیشه برای ایران نگران است و پای درست شدن اوضاع ایستاده‌اند.

حسینی‌زاد در پایان صحبت‌اش از شرایط عکاسی سیرجان این‌گونه می‌گوید: بچه‌های عکاس سیرجان فعال هستند، ولی ارائه بصورت نمایشگاه بندرت اتفاق می‌افتد، در خصوص این نمایشگاه باید بگویم تا آن‌جا که برای من معلوم است به نسبت، مخاطب‌های نمایشگاه از کیفیت آن راضی بودند؛ و موضوعی که باید اضافه کنم این است که برگزارکننده نمایشگاه یک کار گروهی بود که برای خود من پر از حس خوب بود، بچه‌ها واقعا خوب بودند، نکته مهم این است که اینطور اتفاق‌ها نمی‌افتد مگر اینکه اعضا از خود گذشتگی داشته باشند، متعهد باشند و قسمتی از کار را انجام بدهند، برای نمونه در این نمایشگاه «مرتضی صالحی»، «وحید دهیادگاری» و «جواد مدنی» خرید قاب و چاپ عکس را پیگیری کردند، و شخص دیگری که نام آن را می‌برم «بوالفضل عمادآبادی» مدیر «گالری باطن» است که در این رویداد کنار ما ایستاد.

از خود گذشتگی داشته باشند، متعهد باشند و قسمتی از کار را انجام بدهند، برای نمونه در این نمایشگاه «مرتضی صالحی»، «وحید دهیادگاری» و «جواد مدنی» خرید قاب و چاپ عکس را پیگیری کردند، و شخص دیگری که نام آن را می‌برم «بوالفضل عمادآبادی» مدیر «گالری باطن» است که در این رویداد کنار ما ایستاد.

حسینی‌زاد در پایان صحبت‌اش از شرایط عکاسی سیرجان این‌گونه می‌گوید: بچه‌های عکاس سیرجان فعال هستند، ولی ارائه بصورت نمایشگاه بندرت اتفاق می‌افتد، در خصوص این نمایشگاه باید بگویم تا آن‌جا که برای من معلوم است به نسبت، مخاطب‌های نمایشگاه از کیفیت آن راضی بودند؛ و موضوعی که باید اضافه کنم این است که برگزارکننده نمایشگاه یک کار گروهی بود که برای خود من پر از حس خوب بود، بچه‌ها واقعا خوب بودند، نکته مهم این است که اینطور اتفاق‌ها نمی‌افتد مگر اینکه اعضا از خود گذشتگی داشته باشند، متعهد باشند و قسمتی از کار را انجام بدهند، برای نمونه در این نمایشگاه «مرتضی صالحی»، «وحید دهیادگاری» و «جواد مدنی» خرید قاب و چاپ عکس را پیگیری کردند، و شخص دیگری که نام آن را می‌برم «بوالفضل عمادآبادی» مدیر «گالری باطن» است که در این رویداد کنار ما ایستاد.

حسینی‌زاد در پایان صحبت‌اش از شرایط عکاسی سیرجان این‌گونه می‌گوید: بچه‌های عکاس سیرجان فعال هستند، ولی ارائه بصورت نمایشگاه بندرت اتفاق می‌افتد، در خصوص این نمایشگاه باید بگویم تا آن‌جا که برای من معلوم است به نسبت، مخاطب‌های نمایشگاه از کیفیت آن راضی بودند؛ و موضوعی که باید اضافه کنم این است که برگزارکننده نمایشگاه یک کار گروهی بود که برای خود من پر از حس خوب بود، بچه‌ها واقعا خوب بودند، نکته مهم این است که اینطور اتفاق‌ها نمی‌افتد مگر اینکه اعضا از خود گذشتگی داشته باشند، متعهد باشند و قسمتی از کار را انجام بدهند، برای نمونه در این نمایشگاه «مرتضی صالحی»، «وحید دهیادگاری» و «جواد مدنی» خرید قاب و چاپ عکس را پیگیری کردند، و شخص دیگری که نام آن را می‌برم «بوالفضل عمادآبادی» مدیر «گالری باطن» است که در این رویداد کنار ما ایستاد.

### باید بنای ماندگاری آثاری مثل باغ سنگی را داشته باشیم

«وحید دهیادگاری» که با سبک «فتومونتاژ» با مجموعه «سنگ و چوب» در نمایشگاه شرکت کرده درباره حضورش در نمایشگاه می‌گوید: در سیرجان همیشه به دنبال فعالیت‌های گروهی بودیم و هستیم، این که این نمایشگاه با نگاه متفاوت و عکاسانی با سبک کار متفاوت شکل گرفته، توانسته نتیجه کار را مطلوب کند.

او دلیل انتخاب موضوع سنگ و چوب را برای حضور در این نمایشگاه چنین بیان می‌کند: در واقع سنگ و چوب تضادی بین بودن و نبودن است، سنگی که می‌تواند سال‌ها بماند و چوبی که می‌تواند در گذر سال‌ها از بین برود و دیگر وجود نداشته باشد.

این عکاس درختان باغ سنگی را با مکان‌های رو به نابودی کنار هم گذاشته؛ از او می‌پرسم این نوعی اعتراض به تخریب و نابودی است که می‌گوید: پیرامون زندگی ما محیط‌هایی وجود دارد چه از لحاظ فرهنگ و هنر، تاریخ، معماری و زیست محیطی که با فراموشی و عدم توجه رو به نابودی هستند و این هشدار است بر این که در سال‌های دور آن‌ها را دیگر نخواهیم داشت.

او درباره زیبایی در این آثار می‌گوید: زیبایی در واقع فضای منفی در این آثار می‌باشد، چرا که هرکدام از این مکان‌ها در حالی که دارای زیبایی خاص خود می‌باشند و در صورتی که به آن‌ها توجه نشود می‌توانند از بین بروند.

دهیادگاری درباره انتخاب باغ سنگی می‌گوید: طی سال‌ها برای عکاسی به باغ سنگی زیاد می‌روم، تغییرات و نابودی این مکان که خود باغ سنگی هم رو به نابودی‌ست باعث ایجاد این ایده شد، چرا که به روایتی خود «درویش‌خان اسفندیارپور» در زمان خود با هدف اعتراض و اصلاحات عرضی بنای وجود آوردن باغ سنگی را گذاشت و در زمان حال این ما هستیم که بنای

هفته گذشته نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «در باب زیبایی» در «گالری باطن» سیرجان افتتاح شد. نمایشگاهی که در آن عکاسان سیرجانی با ژانرهای مختلف، نگاه عکاسانه‌شان به زیبایی را به نمایش گذاشتند؛ حرکت مهمی که به گفته خودشان بعد از سال‌ها که هیچ فعالیتی در سیرجان نبوده اتفاق افتاده؛ و اولین بار است که گروهی عکاس با دیوار اختصاصی مجموعه عکس ارایه می‌دهند، ایده و پیشنهاد کار را «رسول حسینی‌زاد» به مناسب روز جهانی عکاسی داده و «امین ارجمند» با مجموعه «حفره»، «رسول حسینی‌زاد» با مجموعه «ظل السلطان» به خواب شما هم می‌آید، «جواد مدنی» با مجموعه «دریاچه ماه»، «مرتضی صالحی» با مجموعه «در ستایش طبیعت»، «وحید دهیادگاری» با مجموعه «سنگ و چوب»، «مسلم سلطان احمدی» با عکس‌های پرت‌تره و «سعید زلفی» با کمک هوش مصنوعی در نمایشگاه شرکت کردند.

نمایشگاهی متفاوت که امیدوارند قدیمی در دادن جریان تازه به عکاسی سیرجان برادر؛ با این عکاسان در حاشیه نمایشگاه هم‌کلام شدم تا از آرایه مجموعه‌شان و شرایط عکاسی در سیرجان بشنوم، گزارشی از این هم‌کلامی را در ادامه می‌خوانید؛

### دفرمه شدن پرت‌تره خودم و دوستانم را ارائه دادم

«رسول حسینی‌زاد» که با مجموعه «ظل السلطان» به خواب شما هم می‌آید» در این نمایشگاه شرکت کرده درباره ایده نمایشگاه می‌گوید: ویژگی ما آدم‌ها این است که هرچه دوست داریم را به خود نزدیک می‌کنیم، خوب ما هم دغدغه فرهنگ و هنر و عکاسی را داریم، از طرفی در سیرجان بخاطر شرایط اگر قرار است اتفاقی رخ بدهد، بچه‌های عکاس باید همت کنند؛ و برای این که این امر اجرایی شود، موضوعی با عنوان زیبایی انتخاب کردم تا عکاسان با گرایش‌های مختلف در یک نمایشگاه کنار هم قرار بگیرند.

او در ادامه از دلیل انتخاب مجموعه «ظل السلطان» به خواب شما هم می‌آید» چنین می‌گوید: عوامل مختلفی برای نمایش این مجموعه در این نمایشگاه وجود دارد، از مهم‌ترین عوامل، موضوع نمایشگاه، محیط ارائه و نوع مخاطب است.

حسینی‌زاد می‌افزاید: شکل‌گیری این ایده کمی پیچیده است، بصورت خلاصه دو مورد در شکل‌گیری این کار موثر است، یکی این که یک فرم مجاله عکس برای یک عکاس همیشه پیش می‌آید که عکس اوتی را مجاله کند برای دور انداختن، دوم قسمتی از شعر «کیمیا سعیدی» شاعر (طرف هلوی روی سومینه) بود.

از این عکاس درباره نگاهش به زیبایی در این مجموعه می‌پرسم که می‌گوید: از نظر من این مجموعه در سطوح مختلف زیبایی دارد، برای مثال یک نوع زیبایی مربوط به ایده کار است، دوم زیبایی که مربوط به تجربه هنرمند و چگونگی خلق اثر است، سوم همسنگ بودن فرم و محتوای اثر است که منجر به تولید زیبایی می‌شود.

حسینی‌زاد در استیتمنت مجموعه به درد اشاره کرد، گویی این حالت مجاله آدم‌ها به نوعی شرایط حال حاضر جامعه و مناسبات آدم‌ها با آن را بیان می‌کند؛ او در این باره می‌گوید: بله؛ اثرات مدرنیزاسیون ساختار ناقص در حوزه‌های متفاوت به چشم مشاهده می‌شود، مثلاً ما می‌بینیم بخاطر بی‌خردی و غفلت داشت‌ها ترک می‌خورند و نشست می‌کنند، باغ‌ها خشک می‌شوند، آثار تاریخی فرو می‌ریزند، فضاهای شهری متروک می‌شوند، ساختمان‌ها روز به روز بی‌ریخت‌تر می‌شوند، کوه‌ها خورده می‌شوند، دریاچه‌ها خشک می‌شوند؛ در همه